

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران مرکزی  
دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی ، گروه روانشناسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)  
گرایش: آموزش کودکان استثنایی

عنوان :

ارتباط راهبردهای انگیزشی و هوش هیجانی با یادگیری درس ریاضی در دانش آموزان  
دیرآموز

استاد راهنما:  
دکتر مهدیه صالحی

استاد مشاور:  
دکتر ریتا لیاقت

پژوهشگر:  
مریم هدیه لو

تابستان ۱۳۹۰

## تعهذنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانف مریم هدیة لو دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد نایبوسنه به شماره دانشجویی ۸۷۰۰۰۹۴۴۰۰ در رشته روانشناسی گرایش آموزش کودکان استثنایی که در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۲۷ از پایان نامه خود تحت عنوان: ارتباط راهبردهای انگیزشی و هوش هیجانی با یادگیری درس ریاضی در دانش آموزان دیرآموز با کسب نمره ۱۹/۲۵ و با درجه عالی دفاع نموده ام، بدینوسیله متعهد می شوم:

- ۱- این پایان نامه، حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانف بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست، ذکر و درج کرده ام.
- ۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه را داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد، مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴- چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانف مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:   
تاریخ و امضاء: ۹۱/۱۱/۱۳

بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۲۷

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم مریم هدیه لو از پایان نامه خود دفاع  
نموده و با نمره ۱۹/۲۵ به حروف نوزده و بیست و پنج صدم و با  
درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

۹۱۱۲۱۱۲

### مادر عزیزم

آرام جانم و مهربانتر از من به من ، اولین لبخندی که به یاد دارم ، او که در نیایش های دیروزش ، امروز مرا از خدا خواست.

### پدر مهربانم

او که آغوش گرمش را گشود تا فرصت پرواز یابم . هر چه داشت به پایم ریخت و هر چه آرزو کردم ، برایم خواست.

### همسر عزیزم

حامی استوار زندگیم که صبر او را دستمایه سعی خویش قرار داده ام.

### **تشکر و قدردانی:**

خداوند بزرگ را شاکر و سپاسگزارم که به این حقیر توانایی و سلامتی عنایت فرمود. تا بتوانم این دوره از تحصیلات خود را نیز با انجام این پژوهش به پایان برسانم. کاملاً بر این امر واقفم که انجام این پروژه بدون راهنمایی های ارزنده استاد ارجمند سرکار خانم دکتر مهدیه صالحی انجام پذیر نبود، بر خود فرض می دانم از زحمات ایشان نهایت تقدیر و تشکر را داشته باشم. همچنین نهایت سپاسگزاری خود را از مشاورت های ارزنده سرکار خانم دکتر ریثا لیاقت ، استاد محترم مشاور اعلام می دارم، همین طور از استاد عزیزم جناب آقای دکتر محمود جمالی که داوری این پروژه را به عهده گرفتند صمیمانه تقدیر و تشکر می نمایم.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان چکیده
------	----------------

### فصل اول: طرح تحقیق

۲	مقدمه
۷	اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش
۱۰	اهداف کلی پژوهش
۱۰	فرضهای پژوهش
۱۰	تعاریف واژه ها و اصلاحات
۱۱	الف) تعاریف نظری
۱۱	ب) تعاریف عملیاتی

### فصل دوم: ادبیات تحقیق

۱۴	پیشینه نظری
۱۴	مقدمه
۱۷	راهبردهای انگیزشی (یادگیری خود تنظیم)
۲۱	الگوی عمومی اجتماعی - شناختی برای انگیزش بینتریچ
۲۲	الگوی عمومی شناختی یادگیری
۲۳	الگوی انگیزش عمومی بینتریچ
۲۴	هوش هیجانی
۲۹	مدل میر و سالووی برای هوش هیجانی
۳۰	ابعاد چهارگانه مدل مایر و سالووی
۳۱	نقش انگیزش و شناخت در یادگیری ریاضیات
۳۳	نقش فراشناخت در یادگیری ریاضیات
۳۷	تعریف، طبقه بندی و درصد شیوع کودکان دیر آموز
۳۷	دانش آموزان دیر آموز
۴۱	دانش آموزان دیرآموز و رویکردهای جدید نظام آموزش و پرورش
۴۱	تحقیقات داخلی
۴۳	تحقیقات خارجی

### فصل سوم: روش تحقیق

۵۲	روش تحقیق
۵۲	جامعه پژوهش
۵۲	نمونه پژوهش

۵۲	اهداف پژوهش
۵۳	فرضیه های پژوهش
۵۳	مدل تحقیق
۵۳	روش جمع آوری داده ها و ابزارهای آن
۵۳	مقیاس تجدید نظر شده هوش وکسلر کودکان
۵۴	پرسشنامه راهبردهای انگیزشی برای یادگیری (ام.اس.ال. کیو)
۵۴	پرسشنامه رگه هوش هیجانی پترایدز و فارنهام
۵۵	روش اجرا و جمع آوری داده ها
۵۵	روش تجزیه و تحلیل داده ها

#### فصل چهارم: یافته های تحقیق و تجزیه و تحلیل آنها

۵۷	مقدمه
۵۸	یافته های توصیفی

#### فصل پنجم: خلاصه تحقیق نتایج و پیشنهادها

۷۳	مقدمه
۷۴	خلاصه تحقیق
۷۵	یافته ها
۷۵	الف) تجزیه و تحلیل یافته های توصیفی
۷۶	ب) تجزیه و تحلیل یافته های استنباطی
۷۸	بحث و نتیجه گیری
۸۱	محدودیت های موضوع تحقیق
۸۱	پیشنهاد حاصل از نتایج تحقیق
۸۲	پیشنهاد های پژوهشی

#### پیوست ها

۸۴	پرسشنامه هوش هیجانی پترایدز و فارنهام
۸۶	پرسشنامه راهبردهای انگیزشی و مهارت های خود تنظیمی

#### منابع

۸۸	منابع فارسی
۹۰	منابع انگلیسی

## فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول ۱-۴ توصیفی متغیرهای تحقیق (میانگین ، انحراف معیار، واریانس).....	۵۸
جدول ۲-۴ فراوانی و درصد نمرات متغیر راهبردهای انگیزشی.....	۵۹
جدول ۳-۴ فراوانی و درصد مقادیر یادگیری درس ریاضی.....	۶۱
جدول ۴-۴ فراوانی و درصد نمرات متغیر هوش هیجانی.....	۶۳
جدول ۵-۴ ضریب همبستگی و سطح معناداری یادگیری درس ریاضی، راهبردهای انگیزشی و هوش هیجانی.....	۶۵
جدول ۶-۴ شاخص های آماری رگرسیون مولفه های راهبردهای انگیزشی بر پیشرفت تحصیلی.....	۶۷
جدول ۷-۴ خلاصه تحلیل واریانس و مدل رگرسیون رابطه مولفه های راهبردهای انگیزشی و هوش هیجانی در یادگیری درس ریاضی.....	۶۸
جدول ۸-۴ شاخص های آماری رگرسیون مولفه های هوش هیجانی بر یادگیری درس ریاضی.....	۶۹
جدول ۹-۴ ضریب همبستگی پیرسون و سطح معناداری دو متغیر هوش هیجانی و یادگیری درس ریاضی.....	۷۰
جدول ۱۰-۴ ضریب همبستگی پیرسون و سطح معناداری دو متغیر راهبردهای انگیزشی و یادگیری درس ریاضی.....	۷۱

## فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۶۰.....	نمودار ۱-۴ فراوانی و درصد متغیر راهبردهای انگیزشی.....
۶۲.....	نمودار ۲-۴ فراوانی و درصد میزان یادگیری درس ریاضی.....
۶۴.....	نمودار ۳-۴ فراوانی و درصد متغیر هوش هیجانی.....

## چکیده :

این پژوهش با هدف بررسی ارتباط راهبردهای انگیزشی و هوش هیجانی در یادگیری درس ریاضی دانش آموزان دیر آموز انجام گردید. با توجه به اهداف و ماهیت تحقیق در این پژوهش از روش تحقیق علی - مقایسه ای استفاده گردید. جامعه آماری را کلیه دانش آموزان دارای هوش مرزی شهرستان قم در سال ۱۳۸۹ تشکیل می دهند که تعداد ۷۰ نفر به صورت تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه راهبردهای انگیزشی برای یادگیری (ام.اس.ال.کیو) پینتریچ و دیگروت (۱۹۹۰) و پرسشنامه هوش هیجانی پترایدز و فارنهام برای اندازه گیری میزان هوش هیجانی می باشند. بر اساس نتایج بدست آمده از این پژوهش مشخص گردید که ارتباط دو متغیر راهبردهای انگیزشی و هوش هیجانی می توانند تغییرات مربوط به یادگیری درس ریاضی دانش آموزان را تبیین نماید و راهبردهای انگیزشی می تواند تاثیر موثری در یادگیری درس ریاضی دانش آموزان دیر آموز داشته باشد. هوش هیجانی نیز می تواند تاثیر موثری در یادگیری درس ریاضی دانش آموزان دیر آموز داشته باشد. یعنی افزایش هوش هیجانی باعث افزایش یادگیری درس ریاضی دانش آموزان و کاهش هوش هیجانی باعث کاهش یادگیری درس ریاضی دانش آموزان می گردد.

**کلید واژه ها:** هوش هیجانی ، راهبردهای انگیزشی ، دانش آموزان مرزی ، یادگیری درس ریاضی

# فصل اول

## طرح تحقیق

## مقدمه:

مفهوم یادگیری در طول زندگی بشر، یکی از مفاهیم مورد توجه بوده است. علاوه بر عواملی از قبیل شخصیت، بهره هوشی، زمینه خانوادگی، جنس و سن، عوامل اکتسابی نیز بر این امر تاثیرگذار میباشند که سبک یادگیری، منبع کنترل، راهبردهای انگیزشی برای یادگیری و شیوه‌های مطالعه از آن جمله‌اند. (فارست، ۲۰۰۴).

از آنجا که پیشرفت روز افزون صنعت و تکنولوژی در جهان پهناور، رو به افزایش است نیاز و ضرورت و جایگاه ریاضیات بیشتر احساس می‌گردد. آموزش ابتدایی، در شکل‌گیری مفاهیم ریاضی نقشی اساسی دارد. کودکان لازم‌التعلیم با ورود به دوره ابتدایی با مفاهیم ریاضی آشنا می‌گردند. حال چگونه باید این مفاهیم در اذهان کودکان نهادینه شود. به شرایط یاددهی و یادگیری بستگی دارد. معلمان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی باید مفاهیم ریاضی را ملکه ذهن کودکان سازند. ریاضیات همواره جزء موارد درسی همه دوره‌های تحصیلی در همه نظام‌های آموزش رسمی جهان بوده است. متعارف‌ترین توجیه برای وجود ریاضیات در برنامه آموزش عمومی و همگانی این است که (ریاضیات به انسان فکر کردن را می‌آموزد). پرورش قدرت تفکر و خلاقیت حداقل انتظاری است که از آموزش ریاضی مد نظر است و این خود بیانگر نقش ویژه‌ای است که این درس باید در پرورش توانایی‌های ذکر شده در دانش‌آموزان ایفا کند. این مهم حاصل نمی‌شود مگر اینکه ریاضیات (رشد توانایی حل مسئله) را سر لوحه برنامه آموزشی خود قرار دهد. (لوری و ایتلند، ۲۰۰۰، ۱. به نقل از طرفی، ۱۳۸۹).

ما تجربه‌های انبوه و گسترده‌ای داریم، تعدادی از این تجربه‌ها برای یادگیری و پیشرفت در ریاضی لازم و ضروری است. وجود همین تجربه‌هاست که در تعامل با رشد مغز و ذهن، مفاهیم بنیادی ریاضی را برای ما قابل فهم می‌کند. تجاربی این چنینی باید در دوران‌های مختلف رشد و با ترتیب معینی صورت پذیرد. موفقیت در تشکیل مفاهیم در هر دوره برای موفقیت در ادراک مفاهیم دوره بعدی ضروری است. ممکن است یکی از مفاهیم بنیادی مربوط به ۵ سالگی در کودک شکل نگرفته باشد و تنها به همان دلیل در دوره دبستان، راهنمایی و حتی دبیرستان دچار مشکل در فهم ریاضی شود. از سوی دیگر کودکان با انواع اختلالات یادگیری غالباً تا سنین قبل از مدرسه شناسایی نمی‌شود، ولی با ورود به مدرسه به ویژه سال‌های دوم و سوم دبستان، مشکلات آن‌ها در زمینه‌های خواندن، نوشتن، حساب کردن، هجی کردن و پردازش و استدلال به تدریج مشخص می‌شود. (طرفی، ۱۳۸۹).

کودکان کم‌توان ذهنی از کودکان عادی هم‌سن خود در جنبه‌های مختلف تحصیلی از جمله

---

<sup>1</sup> - Lowrie, T, & Whitland

ریاضیات دارای استعداد و عملکرد پایین تری هستند. قدرت درک مفاهیم پیشرفته و مشکل را ندارند، شمردن با انگشت و دیگر عادات رشد نایافته در آنان شایع است و فرهنگ لغات آنان در مفاهیم ریاضی نارساست. آنها کمتر قادرند که مفاهیم و اصول اساسی را درک نمایند و از آنجا که دارای بینشی ضعیف اند، چندان قادر به تعمیم مفاهیم ذهنی نیستند. (همان منبع)

از آغاز دهه‌ی ۱۹۹۰ بحث در زمینه‌ی اثرات روان‌شناختی هیجان و کارکردهای انطباقی آن و نیز ماهیت رابطه‌ی هیجان و شناخت با معرفی مفهوم تازه‌ای با نام هوش هیجانی<sup>۱</sup> ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. در واقع، مفهوم هوش هیجانی آخرین پیشرفت در زمینه فهم رابطه بین هیجان، تفکر و شناخت بوده و محققان بر این باورند که کاربرد مفهوم "هوش" یک استعاره‌ی مناسب برای سازه‌ای است که از آن با نام هوش هیجانی یاد می‌شود. این مفهوم پس از انتشار "هوش هیجانی" گلمن<sup>۲</sup> در ۱۹۹۵ در حوزه‌هایی مانند تعلیم و تربیت، محیط کار و رشد شخصی، عمومیت فزاینده‌ای یافت.

برای مطالعه اثر خستگی شناختی بر عملکرد حل مسأله، توجه به هوش هیجانی یادگیرندگان، به عنوان عاملی درونی و قابل آموزش، پایه‌های برای فهم این موضوع و نیز افزایش دانش حوزه پیشگیری در زمینه عوارض مخرب حالات خلقی متأثر از خستگی شناختی (در ابعاد انگیزشی، شناختی و هیجانی) فراهم می‌آورد. این در حالی است که برخی محققان از قبیل کیمبرلی مدعی هستند که برای پیش بینی عملکرد افراد در حوزه‌های مختلف (مدرسه، کار و روابط) توان هوش هیجانی از هوش عمومی بیشتر است. هوش هیجانی به عنوان یکی از متغیرهای درگیر در این پژوهش به توانایی درک درست محیط، خودانگیزی، شناخت و کنترل احساسات خود و دیگران (به طوریکه این فرآیند بتواند جریان تفکر و ارتباطات را تسهیل نماید) اشاره میکند. (هانت و ایوانس، ۲۰۰۵).

مؤلفه دیگری که در فرآیند یادگیری حائز اهمیت است، باورهای انگیزشی است. پینتریچ (۲۰۰۰)، با تأکید بر آن که فرآیند خود نظم دهی مشتمل بر شناخت، انگیزش و عاطفه و رفتار است، توضیح می‌دهد که در حیطه‌ی شناخت، راهبردهای شناختی و فراشناختی اشاره بر نحوه‌ی یادگیری و نظارت بر این فرآیند دارند. در حیطه‌ی انگیزش و عاطفه، باورهای انگیزشی فرد قرار دارند که مشتمل بر خود کفایی و ارزش تکلیف هستند. افزون بر آن علائق فرد و واکنش‌های عاطفی منفی او به خود و تکلیف و نیز هر گونه راهبردی که امکان دارد در جهت کنترل و هدایت انگیزش و عاطفه باشد، در این حیطه قرار می‌گیرد. حوزه‌ی رفتار، مبین تلاش عمومی فرد است که در تکالیف معین به صورت اصرار و پافشاری بر حل تکلیف، کمک طلبی و گزینش رفتار نشان داده می‌شود.

---

۱-Emotionalintelligenc

۲ - Goleman

بیان مسئله :

بررسی رابطه عوامل انگیزشی و شناختی با پیشرفت تحصیلی در درس‌های مختلف از حوزه‌های مورد نظر متخصصان تعلیم و تربیت و روانشناختی بوده است. از لحاظ نظری برخوردار از انگیزه درونی برای یادگیری استفاده کارآمد از راهبردهای شناختی و خودتنظیمی از مهم‌ترین عوامل موفقیت تحصیلی به شمار می‌آیند.

با توجه به اهمیت ریاضیات، نظام‌های آموزشی می‌کوشند تا با گنجانیدن مباحث ریاضیات در برنامه‌های تحصیلی به پرورش توانایی‌های ذهنی و قدرت استدلال دانش‌آموزان خود کمک کنند و آنان را برای همگامی با تحولات علمی و پیشرفت‌های فناوری در زندگی آینده مهیا سازند. بدیهی است که آموزش مناسب و پیشرفت تحصیلی در درس ریاضی، مستلزم شناسایی مشکلاتی است که بر سر راه یادگیری دانش‌آموزان در این درس وجود دارد. نظر بر این است که مشکلات تحمیل شده بر دانش‌آموزان در یادگیری ریاضی یا منشأ درون ریاضی دارند یا برون ریاضی. مشکلات برون ریاضی نیز یا درون فردی هستند یا برون فردی. مشکلات برون ریاضی که منشأ درون فردی دارند از ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان در پردازش‌های ذهنی، یادگیری، انگیزش‌ها و نگرش‌ها سرچشمه می‌گیرند. در حالی که مشکلات برون فردی از عوامل فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و چگونگی تدریس و برخورد معلمان و ... اثر می‌پذیرند. (محسن پور و همکاران، ۱۳۸۶)

پژوهش‌های کلاسی و آزمایشگاهی نشان داده‌اند که پیشرفت تحصیلی در درس ریاضی، نه تنها به دانش پایه افراد بستگی دارد، بلکه به عواملی دیگر نظیر آگاهی از راهبردهای گوناگون یادگیری، چگونگی بهره‌گیری از این دانش، طی انجام دادن تکالیف نیز مربوط می‌شود (کای، ۱۹۹۲). شوانفلد (۱۹۸۵) معتقد است که تفاوت میان دانش‌آموزان ضعیف و قوی در درس ریاضی همواره به نقص اطلاعات و کنترل مؤثر بر فرایندهای شناختی نیز ارتباط دارد. (به نقل از فولادچنگ، ۱۳۸۴)

از جمله عوامل درون فردی مؤثر بر پیشرفت ریاضی عوامل انگیزشی و شناختی را می‌توان نام برد. روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت از دیرباز به بررسی تأثیر عوامل انگیزشی در یادگیری و عملکرد دانش‌آموزان در حوزه‌های گوناگون درسی توجه داشته‌اند (لینن برینک و پینتریچ، ۲۰۰۲). بسیاری از تحقیقات اولیه در زمینه‌ی یادگیری و پیشرفت دانش‌آموزان، عوامل شناختی و انگیزشی را از هم جدا کرده و مسیری متمایز را پیگیری کرده‌اند. حداقل از دهه ۱۹۸۰ میلادی تحقیقات متمرکز شده است بر چگونگی تعامل عوامل انگیزشی و شناختی، که مشترکاً روی یادگیری و پیشرفت دانش‌آموزان اثر می‌گذارند، اکنون این اتفاق نظر وجود دارد که دانش‌آموزان برای موفقیت در مدرسه به مهارت‌های شناختی و تمایلات انگیزشی نیاز دارند (به نقل از محسن پور و همکاران، ۱۳۸۶).

در بررسی فرایند یادگیری به طور اعم و راهبردهای یادگیری بطور اخص، باید دو مؤلفه مهم شناخت و فراشناخت را مدنظر قرار داد. شناخت اصطلاح وسیعی است که عمدتاً در ارجاع به فعالیت‌های ذهنی مثل تفکر، ادراک و استدلال مورد استفاده قرار می‌گیرد. فراشناخت

اصطلاحی است که اول بار توسط فلاول به کار رفت تا دانش فرد در مورد فرایندهای شناختی و تولیدات با هر چیز مربوط به آنرا توصیف کند. بعدها بیکره و براون اظهار داشتند که فرا تحلیل حداقل دو مؤلفه دارد: دانش (آگاهی) و کنترل (تنظیم). اولی ناظر است بر آگاهی از مهارت ها، راهبردها و منابعی که لازمه عملکرد موثر در یک تکلیف است و دومی لازمه توانایی استفاده از مکانیزمهای خود نظم دهی است تا از تکمیل موفق تکلیف اطمینان حاصل آید. راهبردهای یادگیری در واقع از بطن نظریات شناختی برخاسته است. الگوی شناختی بیشتر بر فرایندهای تفکر یا ذهنی توجه دارد تا به پاسخ های بیرونی یا رفتارهای مشاهده پذیر. نظریه های شناختی به آنچه در مغز می گذرد توجه دارد و به ادگیری به مثابه تغییری در کنش های شناختی یاگیرنده می نگرد. بررسی رابطه عوامل انگیزشی و شناختی با پیشرفت تحصیلی در درسهایی مختلف از حوزه های مورد نظر متخصصان تعلیم و تربیت و روانشناسی بوده است. از لحاظ نظری برخورداري از انگیزه درونی برای یادگیری، استفاده کارآمد از راهبردهای شناختی و خودتنظیمی از مهمترین عوامل موفقیت تحصیلی به شمار می روند. (به نقل از لوا، ۱۳۸۹)

مفهوم یادگیری در طول زندگی بشر، یکی از مفاهیم مورد توجه بوده است. علاوه بر عوامل از پیش داشته از قبیل شخصیت، بهره هوشی، زمینه خانوادگی، جنس و سن، عوامل اکتسابی نیز بر این امر تأثیرگذار میباشند که سبک یادگیری، منبع کنترل، راهبردهای انگیزشی برای یادگیری و شیوه های مطالعه از آن جمله اند.

در دهه های اخیر، نقش یادگیری خود نظم داده شده (راهبردهای انگیزشی) در یادگیری و پیشرفت درسی دانش آموزان چشمگیر بوده است. یادگیرندگان خود تنظیم، دانش آموزانی هستند که از لحاظ فراشناختی، انگیزشی و رفتاری در یادگیری خود درگیر میباشند. سبکهای یادگیری، که عادات پردازش اطلاعات دریافتی افراد میباشند، یکی از عوامل مؤثر در یادگیری فراگیران است این سبک ها، روش های ترجیحی فراگیران برای درک، سازماندهی و ذخیره اطلاعات میباشند. تحقیقات متعدد حاکی از آن است که سبک های یادگیری در رشته های مختلف تحصیلی متنوع هستند. در یک بررسی مشخص شده است که دانشجویان علوم پزشکی دارای سبک جذب کننده، ولی دانشجویان علوم انسانی دارای سبک انطباق یابنده هستند. چهار نوع سبک یادگیری عبارت از همگرا، واگرا، انطباق یابنده و جذب کننده میباشند بزرگترین قوت همگراها، کاربرد عملی ایده ها، در جذب کننده ها، توانایی خلق مدل های تئوریک و در مورد واگراها و انطباق یابنده ها، مردم محور بودن و شهودگرایی آنهاست. (ولی زاده و همکاران، ۱۳۸۶)

### اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش:

اهمیت تشخیص مشکلات کودکان در مهارت های تحصیلی بر کسی پوشیده نیست. لیکن تشخیص به موقع و استفاده از ابزارهای صحیح و درست است که معلمان و متخصصان را در این مسیر یاری می نماید. تحقیقاتی که توسط محققان مختلف صورت گرفته است، نشان می دهد اختلال ویژه در یادگیری ریاضی به تنهایی در حدود ۶٪ از دانش آموزان را شامل می شود.

همچنین این میزان در دختران بیشتر گزارش شده است (کاپلان و سادوک<sup>۱</sup>؛ ۲۰۰۳ به نقل از طرفی، ۱۳۸۹)

ناتوانی هوشی، ناتوانی در پردازش اطلاعات زیستی روانی است که عموماً با بهره هوشی پایین تر از بهنجار، کاهش کارایی و سازگاری کمتر همراه می باشد. این حالت ها نباید ناشی از سایر اختلال های روانی بوده و در سنین رشد رخ داده باشد. بر اساس استاندارد جهانی ۱۳/۶ از کودکان در گروه دیر آموزان قرار داشته یا به عبارتی با داشتن بهره هوشی ۷۱-۸۵ در آزمون و کسلر، ۲-۱ انحراف معیار پایین تر از میانگین در منحنی توزیع طبیعی هوش می باشد (محمدی زنوز، ۱۳۸۷).

هدف اصلی هر نظام آموزشی این است که مهارت های لازم را به افراد ارائه کند تا بتوانند به عنوان عضوی مفید نقش موثری در جامعه ایفا کنند. با توجه به ویژگی های جامعه امروز، ریاضیات در ارائه این مهارت ها سهم بسزایی دارد. چرا که ریاضیات با مشاهده، سنجش، محاسبه، تحلیل، استنباط، قیاس، اثبات و پیش بینی سر و کار دارد و به عنوان یک نظام ارتباطی کمک می کند تا فهم دقیق و درستی از اطلاعات، الگوها و استدلال به دست آید. (طرفی، ۱۳۸۹)

هدف از آموزش ریاضیات به دانش آموزان کم توان ذهنی در دوره ابتدایی این است که آنها بتوانند با مجموعه لغات و اصطلاحات ریاضی جهت بکارگیری آنها در زندگی روزمره، مفاهیم و مهارت های عددی، توانایی بکار بردن مفاهیم عددی، واحدهای گوناگون اندازه گیری و با بعضی مباحث هندسی آشنا شوند. تا در سنین بالاتر بتواند فعالیت هایی از قبیل استفاده از دست چک، خرید از فروشگاه و یا حساب کردن با ماشین حساب یاد گرفته و آنها را در زندگی روزمره بکار گیرند. (شریفی درآمدی، ۱۳۸۱؛ به نقل از طرفی، ۱۳۸۹)

تدریس و یادگیری ریاضی فقط در انتقال مفاهیم و تعاریف خلاصه نمی شود، بلکه برنامه ریاضی همچنین مسئول توسعه و تعمیم مفاهیم ریاضی، ایجاد انگیزه، پرورش قدرت خلاقیت، به کار گیری و ایجاد ارتباط بین آموخته های دانش آموزان است، تا در نهایت حل مسئله به مشابه نیروی حیاتی آموزش ریاضی به طور جدی در نظر گرفته شود و دانش آموزان ((مسئله حل کن)) تربیت شوند نه کسانی که بر اثر ناتوانی مقابله با مسئله، صورت مسئله را حذف می کنند. با این حال مشاهده می شود که روش هاس سنتی تدریس ریاضی با وجود تجربه سالیان متمادی نتوانسته است. در این پژوهش با توجه به ماهیت تحقیق، هوش غیرکلامی متغیر مستقل و یادگیری مفاهیم ریاضی دانش آموزان دیرآموز متغیر وابسته است. ریاضیات و مفاهیم آن بر خلاف بسیاری از مفاهیم علوم تجربی (که در حیطه محسوس آدمی قرار دارند)، عمدتاً ذهنی و انتزاعی هستند و به صورت اشیاء مادی، وجود خارجی ندارند. یعنی بسیاری از مفاهیم ریاضی تصوراتی هستند از اشیاء که ترجمان آن به همان صورت ذهنی در دنیای واقعی میسر نیست، مانند مفاهیم نقطه و صفحه. از طرفی بسیاری دیگر از مفاهیم ریاضی ماهیت خارجی و وجودی

۱- kaplan,S adock

در محیط خارج به خودی خود ندارند، بلکه ساخته و پرداخته و ابداع ذهن انسان هستند که به محیط خارج و اشیاء درون آن نسبت داده شده اند و این انتساب مانند مفاهیم علوم تجربی در ذات اجسام و اشیاء جهان مادی به عنوان خاصیت ثابت و پایدار آن ها در بیش تر موارد مصداق ندارد. مفاهیم ریاضی دارای منطق مطلق هستند، یعنی در همه جا و همه وقت و در هر شرایطی ثابتند. این پایداری منطق ریاضی به عنوان " قوانین " نظم دهنده و مسلط بر فرآیندهای ذهنی، هماهنگی، گسترش، قانون مند کردن فرآیندهای تفکر به صورت منطقی دارند. در حقیقت در فراگیری ریاضیات به خاطر ماهیت ذاتی این علم، ضمن دستیابی به کانال های جدید ارتباطی بین انگاره های موجود، امکان پرورش و گسترش فرآیندهای ذهنی در یک سیستم کاملاً منطقی، به خاطر منطق قوی، مؤثر و خلل ناپذیر حاکم بر اصول و مفاهیم ریاضی، میسر است. در عین حال همین ویژگی ریاضیات یعنی عدم امکان احساس ( چشیدن، بوئیدن، لمس کردن، شنیدن و دیدن) مفاهیم آن، یادگیری و آموزش آن را نسبت به علوم دیگر مشکل تر و روش های آموزشی و مطالعه آن را خاص کرده است و نمی توان دقیقاً مشخص کرد که ریاضیات چگونه یادگرفته می شود و در نتیجه ( به خاطر وابستگی روش های آموزشی به روندهای یادگیری ) انتخاب و داوری در مورد پدید آوردن شرایط برای فراگیری بهتر و سهل تر چندان آسان نیست. اما می توان فهرستی از احکام حاکم بر فراگیری یا آموزش ریاضی را رایه داد که محمل اجرایی برای گستره محتوای ریاضی باشد. (بهین آئین، ۱۳۸۸).

گرچه عملکرد خوب در زمینه هوش هیجانی می تواند پیش بینی کننده موفقیت و پیشرفت فرد باشد، هوش هیجانی را نمی توان مقیاس سنجش موفقیت دانست. پژوهش ها نشان داده اند که هوش هیجانی بیش از هوشبهر (IQ)، پیشگویی کننده موفقیت فرد در زندگی است، افرادی که دارای کفایت هیجانی بالا هستند، مهارت های اجتماعی بهتر، روابط دراز مدت پایاتر و توانایی بیشتری برای حل تعارضات دارند. گرچه انسان ها به دلایل سرشتی و ژنتیکی در تنظیم و ابراز هیجانات متفاوت هستند، یادگیری از طریق آموزش می تواند موجب افزایش توانایی ها و مهارت افراد در هر سطحی که هستند شود. (مایر و سالووی، ۱۹۹۳).

غالباً دانش آموزان با موقعیت هایی مواجه می شوند که در آن موقعیت ها نمی توانند خواسته های خود را برآورده کنند و برای انجام تکالیف خود به کمک دیگران نیاز دارند. در چنین موقعیت های دانش آموز باید از نیاز خود به کمک آگاه باشد (فراشناخت)، تصمیم به جستجوی کمک بگیرد (انگیزش)، و راهبردهایی را برای استفاده از کمک دیگران به کار گیرد.

دانش آموزان با استفاده از راهبردهای یادگیری خود نظم داده شده می توانند موقعیت ها را به نحوی ترتیب دهند که با یادگیری و عملکرد تحصیلی بهتری قائل شوند. از جمله ای راهبردهای یادگیری مؤثر و مناسب، کمک طلبی یا جستجوی کمک تحصیلی از دیگران است.

این پژوهش به دنبال بررسی ارتباط راهبردهای انگیزشی و هوش هیجانی در یادگیری درس ریاضی دانش آموزان دیرآموز می باشد، تا در نهایت بتواند براساس یافته های پژوهش حاضر پیشنهادها و راه حل هایی در جهت بهتر نمودن موقعیت های آموزشی برای دانش آموزان مرزی یا دیرآموز ارائه نماید.

### اهداف کلی پژوهش :

- ارتباط راهبردهای انگیزشی و هوش هیجانی در یادگیری درس ریاضی دانش آموزان دیرآموز.
- ارائه پیشنهادهایی بر اساس نتایج حاصل از تحقیق به مسئولین و دست اندرکاران .

### فرضهای پژوهش:

- آیا بین راهبردهای انگیزشی و هوش هیجانی در یادگیری درس ریاضی دانش آموزان دیرآموز رابطه معناداری وجود دارد؟
- آیا هوش هیجانی در یادگیری درس ریاضی دانش آموزان دیرآموز موثر است؟
- آیا راهبردهای انگیزش در یادگیری درس ریاضی دانش آموزان دیرآموز موثر است؟

### تعاریف واژه ها و اصطلاحات :

محقق باید در نوشتن مطالب تحقیق در پایان نامه ، از واژه های دقیق استفاده کند و تا آنجایی که امکان دارد هر واژه را در معنی حقیقی آن بکار ببرد و اگر از واژه ایی که دارای معانی مختلف است استفاده می کند ، این واژه را در قسمت تعریف واژه ها و اصطلاحات از طرح تحقیق ، با معانی مورد نظر ، تعریف نماید.( نادری و سیف نراقی ، ۱۳۸۹ ص ۱۶۱).

### الف - تعاریف نظری:

#### - راهبردهای انگیزشی:

باورهای انگیزشی را پینتریچ و دیگرورت مطرح کردند. آنها باورهای انگیزشی را به مجموعه باورهای دانش آموزان در مورد تواناییهایشان در انجام تکالیف و به اهمیتی که دانش آموز به یک تکلیف یا درس خاص میدهد در نظر گرفتند، باوری که به آن تکلیف دارد و هدفی که از مطالعه آن دنبال میکند و همچنین احساس یا حالت هیجانی ناخوشایندی است که پیامدهای رفتاری و روانشناختی خاصی دارد و در امتحانات رسمی و یا دیگر موقعیتهای ارزشیابی تجربه می شود. (پینتریچ و دیگرورت، ۱۹۹۰).

#### - هوش هیجانی :

به نظر سالوی و مایر هوش هیجانی ، به عنوان یک توانایی ناظر بر ظرفیت ادراک ، ابراز ، شناخت، کاربرد و کنترل هیجانها در خود و دیگران است. (سالوی و مایر، ۲۰۰۲)

#### - دانش آموزان دیرآموز:

دانش آموزان مرزی یا دیرآموز، دانش آموزانی هستند که عملکرد آن ها در آزمون های هوش ، در فاصله ۱ تا ۲ انحراف استاندارد پایین تر از میانگین جامعه قرار می گیرد و رفتار اجتماعی و تحصیلی آن ها پایین تر از معیارهای سنی آنان می باشد. (سیف نراقی و نادری ، ۱۳۸۵ به نقل از طرفی، ۱۳۸۹)

**ب - تعاریف عملیاتی :**

**(۱) راهبردهای انگیزشی:**

پینتریچ و دیگران خودکارآمدی، ارزشگذاری درونی و اضطراب امتحان را به عنوان باورهای انگیزشی در نظر گرفتند که از پرسشنامه راهبردهای انگیزشی برای یادگیری (ام.اس.ال.کیو) پینتریچ و دیگران (۱۹۹۰) اندازه گیری می شود.

**(۲) هوش هیجانی :**

هوش هیجانی توانایی پردازش اطلاعات درباره هیجانات خود و هیجانات دیگران است که از طریق پرسشنامه رگه هوش هیجانی پترایدز و فارنهام اندازه گیری می شود .

**(۳) دانش آموزان دیر آموز:**

دانش آموزان مرزی یا دیرآموز اساساً به دانش آموزانی اطلاق می گردد که رفتار اجتماعی و تحصیلی آن ها پایین تر از معیار های سنی آنان می باشد. از این رو نمره ایی را که فرد در آزمون وکسلر بدست می آورد. ( ضریب هوشی ۷۱ - ۸۵) مشخص کننده دانش آموزان مرزی یا دیرآموز می باشد.